

چهارشنبه ۱۸ تیر ۱۳۹۹
۱۶ ذی‌القعدة ۱۴۴۱ • ۸ جولای ۲۰۲۰
شماره ۲۹۹۸ • ۸ صفحه

منت میثاق‌نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

اخبار

«تماشاخانه‌های خصوصی» در معرض تعطیلی

دولت فقط وعده می‌دهد!

شاهین چگینی رئیس انجمن صنفی تماشاخانه‌های خصوصی ایران درباره وضعیت فعلی تماشاخانه خصوصی و روند فعالیت آن‌ها با توجه به شرایط کرونایی موجود و نبود حمایت ر سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به خبرنگار مهر گفت: قبل از بازگشایی سالن‌ها من در مصاحبه‌ای گفتم که در شرایط فعلی باز شدن با باز نشدن تماشاخانه‌های خصوصی هیچ فرقی نمی‌کند. دوستان موضوع را به این سمت برده بودند که پروتکل‌های بهداشتی رعایت و ظرفیت سالن‌ها نصف شود، در حالی که موضوع برای ما این نیست.

وی متذکر شد: ما پروتکل‌ها را رعایت می‌کنیم ولی وضعیت اصلا مناسب نیست. در حال حاضر تمام تماشاخانه‌ها بدهکاری سنگین دارند. ضمن اینکه فعالیت سالن‌ها با نصف ظرفیت مناسبات جدیدی میان تماشاخانه‌های خصوصی و گروه‌ها ایجاد می‌کند و آیا گروه‌ها با توجه به هزینه‌ای که برای تولید اثرشان صرف می‌کنند راضی هستند که با مناسبات جدید و ظرفیت ۵۰ درصد وارد تماشا شوند؟

در نبود حمایت، فقط ضرها بیشتر می‌شود

مدیر تماشاخانه خصوصی مشایخی اظهار کرد: وقتی تماشاخانای فعالیت خود را از سر می‌گیرد مالکان و طلبکاران درخواست طلب خود را می‌کنند و این امر باعث می‌شود تا گرفتاری تماشاخانه‌ها بیشتر شود. وقتی حمایت مالی از تماشاخانه‌ها وجود نداشته باشد ضرر نیز بیشتر می‌شود. چگینی در ادامه سخنان خود یادآور شد: یک هفته است که سالن‌ها باز شده‌اند ولی بالای ۷۰ درصد سالن‌ها با گروه‌ها به توافق جرابی نرسیده‌اند و در آن معدودی هم که میزان نمایش‌ها هستند، شرایط اجرا مطلوب نیست و تلاشگر به راحتی در سالن‌ها حضور پیدا نمی‌کند و گروه‌ها کچازروم‌ریز به کار خود ادامه می‌دهند و اگر این روند ادامه پیدا کند دچار بحران می‌شویم.این مدیر تماشاخانه خصوصی افزود: نیاز هست که اقدام جدی، عاجل و سریعی در این زمینه و کمک به تماشاخانه‌های خصوصی صورت گیرد.

وعده‌هایی که هنوز عملیاتی نشده است

چگینی تأکید کرد: هیچ گونه کمکی حتی در خصوص اینکه مواد ضدعفونی‌کننده در اختیار تماشاخانه‌های خصوصی قرار گیرد، انجام نشده است. این کم‌ترین توقع ما از دولت است که علاوه بر تمام نام‌نگاری‌های انجام‌شده و حتی ارائه میزان دقیق مواد ضدعفونی‌کننده موردنیاز و حتی قیمت این مواد در بازار به اداره کل هنرهای نمایشی، هنوز عملیاتی نشده است.

رئیس انجمن صنفی تماشاخانه‌های خصوصی ایران با طرح این پرسش که چقدر باید وعده بشنویم و انجام نشود و چقدر باید روی این وعده‌ها برنامه‌ریزی کنیم و محقق نشوند؟ متذکر شد: این کمک اسبب است. ما ۱۶ تماشاخانه خصوصی هستیم، اگر دولت از پس حل مشکلات این قسمت کوچک بر نمی‌آید چه برسد به بخش‌های بزرگ‌تر.

چگینی با تأکید بر اینکه باید از طرف صنف تصمیمی بگیریم که این وضعیت را حل کنیم زیرا قصد ما اعتراض سیاسی نیست بلکه به عنوان نهادی اقتصادی به دنبال بهبود شرایط معیشتی خود و بالطبع دیگرانی که با ما در ارتباط هستند، هستیم، تصریح کرد: متأسفانه این توقع به حق ما مدام به بن بست خورده است و کسی پاسخگو نیست. بدون داند وعده به ما راحت می‌دهد که قادر به ارائه این عدد کمی که به عنوان حمایت خواسته‌ایم نیستند تا ما بدانیم که کارمان را تعطیل کنیم. وی در پایان سخنان خود یادآور شد: اگر مدیریت و اراده‌ای برای حل این مشکل وجود داشته باشد، وضعیت بهبود پیدا می‌کند ولی چون دغدغه و مدیریت در این خصوص وجود ندارد وضعیت تماشاخانه‌های خصوصی لاابلا‌ی هزاران مشکل دیگر گم شده‌ایم و این روند به بخش بزرگی از جامعه هنری و تئاتر ایران آسیب می‌زند.

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور

صاحب امتیاز و مدیرمسول:

غلامحسین شعبانی

نشانی: میدان انقلاب – خیابان جمادزاده‌شمالی

پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیک:

info@emtiadzaily.ir

تلفن: ۶۶۵۹۱۸۰۹

آگهی دولتی: ۶۶۵۱۷۷۶۴ – آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹

لینوگرافی و چاپ: ریحان

W W W . E M T I A Z D A I L Y . I R

شب‌های شاد تلویزیون؛ آی کاووسی، پیرپکاجکی و برره‌ای‌ها

در سریال‌های تلویزیونی تبدیل شد. هرچند که «کمربندها را ببندیم» هم جزو آثار موفق طنز در تلویزیون که بیش از ۹۰ قسمت بوده، به حساب می‌آید، اما سریال «بدون شرح» برای مخاطب تازگی بیشتری داشت و می‌توان گفت این سریال در مقایسه با «کمربندها را ببندیم» مجموعه جذاب‌تری بوده است.

نقطه‌چین

یکی دیگر از بهترین آثار مهران مدیری، سریال «نقطه‌چین» است که سال ۸۲، طی ۱۳۵ قسمت در شبکه ۳ دیده شد. این مجموعه نیز شباهت‌هایی کلی به سریال «پاورچین» داشت و مانند آن کاراکترهای مختلفی داشت که موقعیت‌های کمدیک سریال از دل ارتباط آن‌ها با یکدیگر به وجود می‌آمد. در این سریال مهران مدیری در نقش «اردلان پشندی» و رضا شفیعی جم در نقش «امشاد» زوج کمدی بسیار بامزه و موفق بودند. طرز خاص صحبت کردن «امشاد»، تپ و ظاهر او و ساده‌لوحی بامزه‌ای که داشت او را به کاراکتر محبوب و ماندگاری در این سریال تبدیل کرده بود.

علاوه بر شخصیت جالب این کاراکتر ۵ سیما پخش شد. هرچند شاید این مجموعه از نظر میزان محبوبیت به پای آثاری مانند «خانه به دوش» یا «منهم گریخت» نرسد، اما می‌توان از آن به عنوان یکی از محبوب‌ترین سریال‌های طنز ۹۰ شنی یاد کرد. شخصیت اصلی قصه این سریال، زنده‌یاد منوچهر نودری بود که به تنهایی همراه با سرایدار خود در باغی زندگی می‌کرد، فرزندان او طی اتفاقاتی تصمیم گرفتند به خانه او بروند و لحظات پایانی عمر پدرشان را در کنار او باشند.

کنار هم قرار گرفتن آن‌ها، سرآغاز ماجراهایی بود که موقعیت‌های طنز مختلفی را در سریال به وجود می‌آورد. گروه بازیگران خوب سریال مانند رضا عطاران، مجید صالحی، علی صادقی، یوسف تیموری و رضا شفیعی جم که همه آن‌ها سابقه درخشانی در کمدی دارند، یکی از ویژگی‌های مهم سریال بود که باعث شد این مجموعه برای مخاطبان جذاب باشد و حسایی مورد پسند آن‌ها قرار بگیرد.

کمربندها را ببندیم

دو سال پس از سریال «بدون شرح» یعنی سال ۸۲، سریال «کمربندها را ببندیم» به کارگردانی مهدی مظلومی، طی ۱۱۷ قسمت از شبکه ۳ پخش شد. پس از موفقیت زوج فتحعلی اویسی و امیر جعفری در سریال «بدون شرح»، این دو بازیگر در مجموعه «کمربندها را ببندیم» دوباره در کنار یکدیگر دیده شدند و بخش اصلی داستان این بار در فضای یک فرودگاه می‌گذشت. لاله صبیوری، سعید آقاخانی، رویا افشار و رضا فیض نوروزی از دیگر بازیگران این سریال بودند. جالب آن که جواد عزتی ستاره این روزهای سینمای ایران نیز نقش فرعی و کوتاهی در این مجموعه داشته است.

شخصیت «منصور ملکی» در این سریال مانند «کاووسی» در مجموعه «بدون شرح»، به یکی از به یادماندنی‌ترین کاراکترهای کمدیک



کوجه اقایا

بعضی شخصیت‌ها، لپه‌چای داشتند و غذایی که می‌خوردند من‌درآوردی و تخیلی و در نوع خود جالب بود.

کاراکتر «داود» با بازی جواد رضویان و «فرهاد» با بازی مهران مدیری شخصیت‌های اصلی سریال بودند که بسیاری از لحظات خنده‌دار و کمدیک سریال به واسطه حضور آنان شکل می‌گرفت. این دو شخصیت با یکدیگر رقابت می‌کردند تا برتری خود را ثابت کنند. کشمکش میان آن‌ها تضادهای این دو شخصیت، «داود» و «فرهاد» را به زوج خنده‌دار و بامزه‌ای تبدیل کرده بود. حضور ستاره‌های کمدی آن زمان مانند مهران مدیری، جواد رضویان، شقایق دهقان و محمدرضا هدایتی در این سریال و بازی خوب آن‌ها از دلایل محبوبیت سریال بود.

زیر آسمان شهر

سریال «زیر آسمان شهر» به کارگردانی مهران غفوریان، سال ۸۰ از شبکه ۳ روی آنتن رفت و ۸۱ قسمت داشت. این مجموعه داستان چند همسایه را روایت می‌کرد که در یک آپارتمان در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند. ارتباط خوب و صمیمانه همسایه‌ها با یکدیگر و چالش‌ها و ماجراهایی که شبیه دنیای خارج از قصه در زندگی هرکدام از شخصیت‌ها اتفاق می‌افتاد، داستان و ماجراهای سریال را برای مخاطب باورپذیر و ملموس کرده بود، به همین دلیل مخاطبان ارتباط خوبی با این سریال برقرار می‌کردند و جزو آثار طنز پرپیننده در تلویزیون به حساب می‌آمد.

تکیه‌کلام‌های خاص بعضی کاراکترها و لقب آن‌ها نیز مانند «بدون شرح»، مورد توجه مخاطب قرار گرفت و تا مدت‌ها بین مردم رواج پیدا کرد. کاراکتر «خشایار مستوفی» با بازی حمید لولایی نیز یکی از محبوب‌ترین شخصیت‌های سریال بود و این نقش در کارنامه حمید لولایی ماندگار شده است. استقبال مردم از این مجموعه باعث شد «زیر آسمان شهر» ادامه پیدا کند و فصل‌های دوم و سوم آن نیز با تغییراتی در عوامل و بازیگران آن ساخته شود، اما این تغییر به نفع سریال تمام نشد و فصل‌های بعدی آن به اندازه فصل اول مورد استقبال قرار نگرفت.

تهرانِ ساخت اسرائیل، چگونه سوژه خنده شد؟

رئیس و مدیران ایرانی، هوسران جلوه داده شوند و جان‌شان را بر سر این میل مبهم هوس از دست بدهند؟ آیا در میان پرسنل نیروی انتظامی ایران که برای تحقیق قتل رئیس هوسران وارد شرکت می‌شوند، فرد صالح و درستی یافت نمی‌شود؟ و سوالاتی از این نوع. یکی از بامزوترین و خنده‌دارترین موارد سریال تهران، وجود یک صندوق صدقات سیار و قابل‌حمل است که گروه صحنه و تدارکات زحمت جابه‌جایی آن‌ها را در طول سریال و از این‌طرف به آن‌طرف می‌کشند و آن را به شکل تابلویی در جاهای مختلف قرار می‌دهند، خسته‌نباشند. صندوق صدقات در ایران متصل به زمین است، اما اینجا آن‌را در یک قالب سیمانی قرار داده‌اند.

انتخاب بازیگران هم در آثار مرتبط با ایران، چالش بزرگی برای سازندگان است. بازیگران داخل ایران که طبیعتاً به دلیل مواضع ضدایرانی، با چنین پروژه‌هایی همکاری نمی‌کنند، بنابراین گزینه‌ها بسیار محدود و نام بازیگران ایرانی‌تبار یا ایرانی‌های مقیم خارج از کشور مطرح می‌شود. اگر این بازیگران حاضر شوند بازی در چنین آثاری نگاهی یکسویه را قبول کنند، چالش زبان و لهجه به میان می‌آید.

سازندگان این آثار برای ارتباط بیشتر با مخاطب ایرانی و انتقال مفاهیم القایی، دوست دارند بازیگران‌شان در صحنه‌های موردنظر به زبان فارسی حرف بزنند، اما چون بیشتر بازیگران با تقریباً همه آن‌ها سلاطنت مقیم خارج از کشور هستند یا اساساً در جایی غیر از ایران متولد و آنجا بزرگ شده‌اند، به فارسی مسلط نیستند. نتیجه، گفتاری است که به هیچ وجه برای مخاطب ایرانی قابل قبول نیست و وقتی همان ابتدای کار، ارتباط زبانی مخدوش است و به درستی برقرار نمی‌شود، مخاطب با حس بازیگر موردنظر و باقی ماجراهای سریال هم ارتباط برقرار نمی‌کند و آن‌ها را جدی نمی‌گیرد.

سریال تهران پر است از فارسی حرف‌زدن‌های نجسپ، آن هم در جدی‌ترین صحنه‌ها. نوید نگهبان، ارش مرندی، شروین آل نبی Moe Bar-Elو اکثر گفت انگلیسی حرف می‌زدند، بهتر بود بعضی اوقات، لهجه بد، اندک لطف بازی خوب را هم از بین برده، مثلاً درباره نگهبان این اتفاق افتاد. بهترین بازی سریال هم متعلق به شان تئوب، بازیگر نقش فراز کامالی، مامور امنیتی ایران است که مشهورترین بازیگر سریال هم محسوب می‌شود. اگر بعضی لغزش‌های گفتاری او را نادیده بگیریم و از کم و کاستی‌های شخصیت‌پردازی‌اش در فیلمنامه هم صرفنظر کنیم، بازیگر آثاری، چون تصادف، بابداک باز و هوملند بازی بدی ندارد و حس و حال شخصیت را درست ارائه می‌کند.

کدام جاسوس بی‌ملاحظه‌ای را سراغ دارید که با این ماشین

تابلو و با این ارم تابلوتر- که در قصه مربوط به یک شرکت گردشگری است- به شما قلمه «عسسی بیام رو بگیر» که این طرف و آن طرف

برود؟ ما به هم می‌گوییم؛ شخصی به نام محمود تبریزی که هم

در سریال به او مسعود می‌گویند. باور کنید؛ حتی وقتی اسم او را

از نزدیک‌ترین نمای ممکن روی تصویر می‌بینیم، باز فراز کامالی، می‌گوید مسعود!

یادداشت

اشتباه استراتژیک شهرداری منطقه یک و حادثه کلینیک سینا اطهر؛

احداث فضای سبز جزیی خیابان شریعتی مهم تر است؟

رضا ییابانی، فارغ التحصیل معماری و شهرسازی و دانشجوی دکتری پژوهش هنر

حادثه تراژیک کلینیک سینا اطهر دردی دیگر بر روزهای کرونایی مردم آوار کرد و مردم به درستی می پرسند چرا دستگاههای مسئول در خصوص رعایت مسائل ایمنی که جان و سلامت مردم را به مخاطره می اندازند اصول اولیه پیشگیری را رعایت نمی کنند؟

در فضای مجازی این قانون دست به دست می چرخد که «بر طبق ماده ۵۵ قانون شهرداری ها ، شهرداری منطقه یک تهران موظف به رفع خطر از این کلینیک بود» و بحث های متعددی با سویه نفی و اثبات آن در گرفته است؛ برخی استدلال می کنند بر طبق قانون شهرداری ها ضابط قضایی نیستند و برای انجام چنین کاری باید از پیچ و خم های حقوقی و قضایی زیادی عبور کنند.

اما برخی دیگر مثال های عینی ارائه می کنند که شهرداری ها موفق شده اند با پی گیری مداوم از طریق دستگاه قضایی کشور جلوی ادامه فعالیت برخی ساختمان های پر خطر را بگیرند از این رو تعطیلی و یا ترمیم ساختمان کلینیک سینا اطهر امر دست نیافتنی نبود فقط وقت و انرژی بیشتری را نسبت به سایر امور اداری و حقوقی از شهرداری مناطق و نیز شهرداری منطقه یک می طلبید که اگر پیگیری می شد آن ۱۹ ماهشهری عزیز الان هم در میان ما بودند.

برخی دیگر مدعی اند شهرداری برای انجام پروژههای رفع خطر موظف است که پیمانکار بگیرد و هزینه های پیمانکار را تأمین کند، و این امر با توجه به انباشت بدهی های شهرداری تهران و کاهش شدید درآمدهای شهرداری به سبب های مانند کرونا موجب شده به سازی و ایمن سازی ساختمان هایی مانند سینا اطهر به حاشیه روند.

اما شهروندان منطقه یک در پاسخ عکس های از احداث فضاهای سبز کوچک، رنگ آمیزی جداول کنار خیابان و بلوارهای غیرضروری منتشر کرده اند و پرسیده اند «رفیو» «سبز خیابان شریعتی» که از میدان قدس شروع شده و به سمت جنوب خیابان شریعتی در حال ادامه یافتن است مهم تر است یا ایمن سازی ساختمانی که دهها خانواده را در این روزهای پر درد سرسوگوار و عزادار کرد؟

شهروندان از اولویت ها می پرسند: در شرایطی که مسئولین محترم شهرداری و شورای اسلامی شهر تهران مدام اظهار بر کمبود بودجه می کنند بودجه این پروژه از کجا تأمین شده است؟ و اگر بودجه ای در حد رفع امور جاری تهران است پیشگیری از بحران در کجای اولویت های شهرداری منطقه ۱ قرار می گیرد؟ آیا هزینه کردن برای احداث یک رفیو» که بخشی از خیابان شریعتی را تنگ نموده است و حتی در آینده می تواند بخشی از روند فعالیت خودروهای سنگین امداد و نجات را دچار مشکل کند دارای اولویت است یا هزینه کردن برای پیمانکار به منظور رفع خطر از ساختمان های پر خطر؟

چرا مسئولین شهرداری منطقه ۱ برای ساختمان کلینیک سینا اطهر و چندین ساختمان مشابه که در چند قدمی محل کار آن ها است فکری نکردند؟

متأسفانه آنچه در بعد از پلاسکو و حادثه خیابان جمهوری و حالا هم کلینیک سینا اطهر مشهود است این است که همیشه ته کیسه بودجه به پیشگیری از بحران می رسد و سوال اینجاست که چرا چنین اولویت بندی وجود دارد؟این و صد ها سوال دیگر، سوالاتی هستند که شهردار منطقه یک باید نسبت به آن پاسخگو باشد.

در این بحث های داغ فضای مجازی راهکارهای پیشگیری از چنین حوادث دردناکی نقل مجالس است و مردم با اشتراک گذاری پپیای آن از مدیران شهری تقاضا می کنند آنها را جدی بگیرند؛ چهار راهبردی که بیشترین تکرار را به خود اختصاص داده اند موارد ذیل است:

۱- بازسازی : تشویق شهروندان به نوسازی و مقاوم سازی بافت های فرسوده و ارائه تسهیلات و بسته های تشویقی تا ساختمان های پر خطر شهری با استاندارد های جدید بازسازی شوند.

۲- به سازی: ساختمان های پر خطر را با بازدیدهای دوره ای به سازی کنیم بعنوان مثال علامت شریک نصب کنیم ، در طبقات کیسول های آتش نشانی و جعبه کمک های اولیه نصب کنیم، سیستم های اعلان و اطفاء حریق نصب کنیم و نسبت به فعال بودن آنها دقیق باشیم.

۳- توانمندسازی: اگر روند به سازی و بازسازی هزینه بر است افراد و پرسنل مشغول به کار در این فضا ها را تعلیم دهیم که در هنگام بحران پروژه عمل کنند. به عنوان مثال روش های تخلیه ای را به آن ها آموزش دهیم آن ها را تشویق و یا حتی مجبور به گذراندن دوره های امداد و کمک های اولیه و اطفاء حریق کنیم.

۴- اگر امروز برای ایمنی و پیشگیری هزینه نکنیم در آینده باید چند برابر هزینه کنیم و در مقابل خانواده های شهروندان شرمسار باشیم.

یک فجنجان چای داغ

برد پیت به فیلم اکشن دیوید لیچ پیوست

فیلم بعدی برد پیت مشخص شد و این بازیگر برنده اسکار در نقش آفرینی بعدی‌اش در یک فیلم اکشن برای سونی پیکچرز جلوی دوربین می‌رود.این فیلم که به عنوان «قطار سریع‌السیر» ساخته می‌شود را دیوید لیچ کارگردانی خواهد کرد. لیچ در عین حال بر نگارش فیلمنامه این پروژه که توسط زک الکویچ نوشته می‌شود هم نظارت می‌کند.لیچ پس از کارگردانی «هائیز و شاو» که فیلمی از دنیای «سریع و خشمگین» بود با طمانینه به سراغ فیلم بعدی‌اش رفت و در نهایت به تازگی برای کارگردانی این فیلم به توافق رسید. «قطار سریع‌السیر» بر اساس یک رمان ژاپنی به نام «ماریا بیتل» که تو ط کوتارو اربا نوشته شده و به زمان پرفروش بدل شد، ساخته خواهد شد. «هارویل سکر» اعلام کرده که این رمان را سال آینده به زبان انگلیسی منتشر خواهد کرد. این فیلم را لیچ و کلی مک‌کرمک در کمپانی «۸۷ نورث» تهیه می‌کنند. آنتوان فوکوا و کت سمیک نیز آن‌ها را همراهی می‌کنند. سونی به تازگی اعلام کرد استودیو در حال ساخت «وان پانچ من» با اقتباس از یک مانگای محبوب ژاپنی است و امیدوار است که این فیلم قابلیت بدل شدن به یک مجموعه را داشته باشد، برد پیت پس از کسب جایزه اسکار بهترین بازیگر مرد برای فیلم «روزی روزگاری در هالیوود» به کارگردانی راتینوتو وقت بیشتری برای انتخاب بازی‌های بعدی خود گذاشت و فیلم بعدی وی «بابل» به کارگردانی دمنین شازل برای پارامونت است که در آن با اما استون جلوی دوربین می‌رود. تولید این فیلم به سال ۲۰۲۱ موکول شده است.

تهیه‌کنندگان ۲۵ کتاب را برای اقتباس سینمایی پیشنهاد کرده‌اند
حبیب‌ال‌لیبکی قائم‌مقام و سرپرست معاونت فرهنگی، پژوهشی بنیاد سینمایی فارابی درباره آخرین وضعیت اجرای طرح حمایت از سینمای اقتباسی اظهار کرد: با پایان مهلت شرکت در فراخوان «طرح حمایت بنیاد سینمایی فارابی از سینمای اقتباسی»، کار ارزبایی پیشنهادهای رسیده از هفته گذشته آغاز شده است. در این مدت ۲۵ کتاب از سوی تهیه‌کنندگان سینمای ایران برای اقتباس سینمایی معرفی شد. وی گفت: البته تعداد درخواست‌های رسیده برای شرکت در طرح حمایت از سینمای اقتباسی بالاتر از این بود اما به واسطه اینکه با وجود تأکید در فراخوان و یادآوری موکد در این زمینه در گفتگوها و اخبار مختلف که پیشنهاد کتاب باید از سوی تهیه‌کنندگان باشد، متأسفانه این درخواست‌ها از پسوی کارگردانان با فیلم‌نامه‌نویس‌ها به بنیاد فارابی رسید که مشمول این طرح نمی‌شود و طبقاً مورد بررسی قرار نخواهد گرفت.
ابلی‌علام کرد: ابتدا شده از تصمیم بنیاد فارابی بر این بود که «طرح حمایت از سینمای اقتباسی»، معطوف به تولید باشد و به همین دلیل بر ارائه کتاب توسط تهیه‌کننده‌ها تأکید کرده بودیم.قائم‌مقام و سرپرست معاونت فرهنگی، پژوهشی بنیاد سینمای فارابی در پایان بیان کرد: پس از بررسی درخواست‌های و مطالعه کتاب‌های ارائه شده از سوی تهیه‌کنندگان، بر اساس ظرفیت آثار، اسامی آثار برگزیده این طرح که قرار است وارد مرحله تولید شوند، اعلام خواهد شد.در پی اعلام سیاست‌های کلان و راهبردی سازمان سینمایی، اسفند ماه سال گذشته، بنیاد سینمایی فارابی در قالب یک فراخوان اعلام کرد تصمیم دارد آثار برگزیده در گونه‌های مختلف ادبیات داستانی پس از انقلاب را بر اساس جذابیت‌های داستانی، اولویت‌های فرهنگی و قابلیت‌های سینمایی، برای تولید فیلم حمایت کند. برگزیده شدن کتاب‌های پیشنهادی در جشنواره‌های ادبی و پرتیراز بودن آنها از ملاک‌های اصلی انتخاب از سوی بنیاد سینمایی فارابی خواهد بود.